



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

# نیروی کار آموزشی: آینده‌ای مبهم

جعفر ابراهیمی



اردیبهشت ۱۳۹۹

روز جهانی کارگر را زمانی جشن می‌گیریم که به خاطر سیاست‌های دست راستی و انقباضی روزبه‌روز شاهد پرولتاریزه شدن نیروی کارآموزی هستیم، مستقل از اینکه آیا معلمان در ساختار طبقاتی در کنار کارگران قرار می‌گیرند یا خیر؟ باید خاطرنشان نمود که سلسله سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر تعدیل نیرو و ارزان‌سازی نیروی کار باعث شده است که معلمان و کارگران در موقعیت هم‌سرنوشت و مشابهی قرار گیرند. از این منظر است که در کنار روز ملی معلم باید روز جهانی کارگر را به بخش عظیمی از نیروی کارآموزی تبریک گفت. در این یادداشت کوتاه به مدد آمار رسمی می‌کوشم با تأکید بر طرح خرید خدمات آموزشی نشان دهم چگونه امنیت شغلی نیروی کارآموزی در آینده در مخاطره است.

در طی ده سال اخیر کمبود نیروی کارآموزی یکی از بحران‌ها و چالش‌های اصلی وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش بوده است. از زمان احمدی‌نژاد تاکنون دولت‌ها همواره کوشیده‌اند در رفع این بحران به‌جای توجه به کیفیت آموزش و جذب دانشجو معلمان و قدرتمند نمودن آن‌ها، صرفه‌جویی اقتصادی، کاهش تصدی‌گری و عقب‌نشینی از مسئولیت‌های اجتماعی دولت را در اولویت و دستور کار خود قرار دهند. به همین خاطر امروز شاهد ورود نیروی کاری به عرصه آموزش هستیم که به لحاظ تسلط بر حرفه معلمی ضعیف و به لحاظ برخورداری از امنیت شغلی در وضعیت اسفناک قرار دارند.

با پایان گرفتن جنگ، دولت رفسنجانی با تبعیت از الگوی صندوق بین‌المللی پول و تعدیل ساختاری زمینه‌های جذب نیروهای موردنیاز دستگاه‌های دولتی در قالب برون‌سپاری خدمات را کلید زد، اما از آنجایی که ساختار غیر دموکراتیک بود و شرکت‌هایی که خدمات ارائه می‌نمودند وابستگی رانتی و حاکمیتی داشتند، این سیاست باعث شد در برخی موارد حتی تعداد افراد حقوق‌بگیر از دولت به نسبت افزایش یابد. اما پول کلان به دست مستخدمین شرکتی نمی‌رسید و این شرکت‌های واسطه بودند که سودهای کلانی به جیب می‌زدند. در این دوره ۳۰ درصد نیروهای شرکتی که وارد آموزش و پرورش شدند در پست معلمی قرار گرفتند.

این روند دوره خاتمی ادامه پیدا نمود و معلمان شرکتی و قراردادی بخشی از نیروی کارآموزی را تشکیل می‌دادند که از کمترین امنیت شغلی برخوردار بودند. هنگامی که در دولت احمدی‌نژاد قانون مدیریت خدمات کشوری به تصویب رسید، به بهانه مبارزه با فساد، جذب شرکتی متوقف و کلیه استخدام‌ها بر اساس ماده ۴۴ قانون مدیریت صورت گرفت. در این میان دولت احمدی‌نژاد با بهره بردن از ماده ۱۲۴ قانون مدیریت اقدام به انعقاد قرارداد تحت قانون کار نمود و از گذر این تغییرات تعداد زیادی نیروی شرکتی و قراردادی استخدام شدند و دولت مانور زیادی بر روی این مسئله داد، اما با پایان کار دولت به اصطلاح مهرورز زوایای فساد و تخلف در استخدام به‌خصوص در آموزش و پرورش خود را نشان داد. بنابر ادعای یکی از نمایندگان مجلس بر اساس آمار منتشرشده، ۲ درصد از ۷۶ هزارنفری که در این وزارت خانه در دو سال پایانی دولت محمود احمدی‌نژاد استخدام شده‌اند، بی‌سواد بودند. همچنین ۱۴ درصد تحصیلاتی تا مقطع ابتدایی، ۱۹ درصد راهنمایی، ۱ درصد

دیپلم و ۳۳ درصد بالاتر از دیپلم بودند. این گزارش تصریح می‌کند که در هشت‌ساله دولت محمود احمدی‌نژاد ۳۳۲ هزار نفر در آموزش‌وپرورش استخدام‌شده‌اند و قرار بود بر اساس طرحی موسوم به مهر آفرین « ۳۹۲ هزار نفر دیگر نیز استخدام گردند.<sup>۱</sup>

اگرچه دیگر این استخدام‌ها از طریق شرکت صورت نمی‌گرفت، اما ماده ۱۲۴ و ۴۴ قانون مدیریت با رویکرد حامی پروری دولت باعث شد که تعداد زیادی از نیروی کارآموزی از افراد فاقد صلاحیت تشکیل گردد که تبعات جبران‌ناپذیر آن هنوز مشهود است. از سویی نیروهایی که تحت ماده ۱۲۴ قانون مدیریت جذب آموزش‌وپرورش شدند، از ثبات کاری برخوردار نبودند و یکی از چالش‌های آتی درخواست استخدام رسمی این نیروها بود.

باروی کار آمدن دولت روحانی در اصل این دولت رفسنجانی بود که با ادعای مدرن بودن کلید دولت را در دست گرفت. دولت روحانی به لحاظ ایدئولوژیک و حتی مهره‌هایش چاره‌ای جز این نداشت که در مسیری که بعد از جنگ گشوده شده بود حرکت کند. اگرچه به‌ظاهر میان احمدی‌نژاد و دولت‌های بعد و قبلش تفاوت وجود داشت، اما این تفاوت ریشه‌ای نبود و تمام جناح‌ها در سلب مالکیت عمومی هم‌نظر بودند، اما در شیوه عملیاتی آن اختلاف‌نظر داشتند. احمدی‌نژاد با تمام داعیه‌های پوپولیستی و ادعاهای پوشالی مبنی بر عدالت‌گرایی، همان رئیس‌جمهوری بود که توانست به مدد همسویی سایر ارکان حاکمیتی بزرگ‌ترین گام را بردارد و به سمت آزادسازی قیمت‌های حامل‌های انرژی قدم بردارد چیزی که رفسنجانی برایش زمینه‌چینی کرده بود و خاتمی در رؤیاهایش به دنبال آن بود. با این تحلیل، دولت روحانی در ادامه منطقی احمدی‌نژاد چاره‌ای جز این نداشت که سیاست انقباضی را ادامه دهد و در بخش آموزش همچنان ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کارآموزی را در دستور کار خود قرارداد به‌واسطه این سیاست‌ها بود که در کنار جذب معلمان از طریق جذب دانشجو-معلم، استخدام از طریق ماده ۲۸ و تأمین نیرو از طریق خرید خدمات آموزشی جایگاه مهمی را به خود اختصاص دادند طبق ماده ۲۸ بخشی از نیروی آموزش‌وپرورش در برخی رشته‌ها، مطابق ضوابط و مقررات وزارت آموزش‌وپرورش از میان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تأمین می‌شد. در این حالت دیگر دولت مجبور نبود هزینه چهار سال تحصیل و حقوق بابت دانشجو- معلمان را بپردازد و با یک دوره مهارت آموزشی توانست بخشی از نیروی موردنیاز را تأمین نماید. دولت با این نیروها به‌صورت پیمانی قرارداد می‌بندد و مجبور نیست تعهدات استخدام نیروی رسمی را متقبل گردد.

<sup>۱</sup> <https://www.dw.com/fa-ir/%D%A%AF%D%A%AF%D%A%AF/a-17790207>  
%D%A%BA%DB%AC%D%A%B1%D9%A2%D%A%A%D9%A6%D9%A8%D9%A6%DB%AC-%DB%B4%DB%B2%DB%B0-%D9%A7%D%A%B2%D%A%A%D9%A6%D9%A1%D%A%B1-%D%A%AF%D%A%B1-%D%A%AF%D9%A8%D9%A4%D%A%AA-%D%A%AF%D%A%AD%D9%A0%D%A%AF%DB%AC%D9%A6%DA%98%D%A%A%AF/a-17790207

در طرح خرید خدمات آموزشی که در سال ۹۲ طرح و در سال ۹۳ کلید خورد، دولت با ادعای رفع تبعیض و برقراری عدالت آموزشی وزارتخانه آموزش و پرورش را موظف نمود که از طریق خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی، در مناطق محروم پوشش تحصیلی را بالا ببرد اما اصل قصه چیز دیگری بود: دولت محاسبه کرده بود که خرید خدمات از بخش خصوصی بسیار ارزان‌تر از ارائه خدمات دولتی است، پس در سال‌های بعد کوشید طرح خرید خدمات را به‌عنوان الگویی برای تأمین نیروی انسانی به کار گیرد تا جایی که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ دولت آموزش و پرورش را موظف می‌نمود که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ ده درصد آموزش را از طریق خرید خدمات آموزشی تأمین نماید.<sup>۲</sup> همچنین وزارتخانه مکلف است از ابتدای سال تحصیلی ده درصد از دانش آموزان تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش را به‌صورت خرید خدمات از بخش غیردولتی واجد شرایط و ذیصلاح تأمین نماید. وزارت آموزش و پرورش مکلف بود با برنامه‌ریزی مناسب سی درصد نیروی انسانی موردنیاز خود از جمله در پژوهش‌سراها، راهنمایان آموزشی، مربیان پیش‌دبستانی، متصدیان آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها را از طریق خرید خدمات تأمین کند. به‌نحوی که تا پایان سال ۱۳۹۹ به پنجاه درصد برسد.

اگرچه این لایحه به این صورت تصویب نشد، اما در مهر ۹۸ بیش از ۱۶ هزار معلم در قالب خرید خدمات آموزشی در مناطق محروم و دورافتاده وظیفه تدریس به کودکان را به عهده گرفتند.<sup>۳</sup> این معلمان که از نظر امنیت شغلی و دستمزد در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و توسط پیمانکاران بخش خصوصی به‌صورت وحشتناکی استثمار می‌شوند. با آنکه برنامه ششم توسعه می‌کوشد خرید خدمات را به‌عنوان یک الگوی مسلط در مناسبات اقتصادی خود به سودبخش خصوصی که اغلب از رانت وفاداری به سیستم برخوردارند جا بیندازد، اما به واسطه برخی اصول قانون اساسی که مانع مدرسه‌فروشی می‌شود ( ماده ۲۵ و ۲۸ قانون برنامه ششم واگذاری مدارس را ممنوع می‌کند)، عملاً در دستورالعمل اجرایی طرح خرید خدمات آموزشی دولت دست پیمانکار را به این قیمت که حتی با معلمان قرارداد نبندد یا بیمه آن‌ها را ندهد باز می‌گذارد، چراکه برای دولت باز بودن مدرسه و حضور یک فرد در سر کلاس و آمار و کمیت مهم است و کیفیت آموزشی و حرفه معلمي فدای صرفه‌جویی اقتصادی دولت می‌شود.

<sup>۲</sup> <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/10/04/1907008/%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%AC%D9%87-98-10-%D8%AF%D8%B1%D8%B0%D8%AF-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A2%D9%80%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D8%AA%D8%AD%D8%AA-%D9%BE%D9%88%D8%B4%D8%B4-%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D8%AF-%D8%AE%D8%AF%D9%80%D8%A7%D8%AA-%D9%80%DB%8C-%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF>

<sup>۳</sup> <https://www.yjc.ir/fa/news/703091/%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA-%DB%B1%DB%B1-%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%80%D8%B9%D9%84%D9%80-%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D8%AF-%D8%AE%D8%AF%D9%80%D8%A7%D8%AA-%D8%A2%D9%80%D9%88%D8%B2%D8%B4%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%80%D9%87%D8%B1-%DB%B9%DB%B8-%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%88%D9%82%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D9%80%D8%B9%D9%86%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%80-%D8%B1%D8%B3%D9%80%DB%8C-%D9%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA>



